

حقوق خانواده

## استقلال دختران در انتخاب همسر

دخترک، نگران و هراسان آمدنزد رسول اکرم(ص):  
 - یا رسول الله! از دست این پدر...  
 - مگر پدرت با توجه کرده است؟  
 - برادر زاده‌ای دارد و بدون آنکه قبلاً نظر مرا بخواهد، مرا به عقد او در آورده است.  
 - حالا که او کرده است، تو هم مخالفت نکن، صحه بگذار و زن پسرمویت باش.  
 - یا رسول الله! من پسر عمومیم را دوست ندارم، چگونه زن کسی بشوم که دوستش ندارم؟  
 - اگر او را دوست نداری، هیچ اختیاری با خودت، بر هر کس را خودت دوست داری به شوهری انتخاب کن.  
 - اتفاقاً او را خیلی دوست دارم و جز او کسی دیگر را دوست ندارم و زن کسی غیر از او نخواهم شد، اما چون پدرم بدون آنکه نظر مرا بخواهد این کار را کرده است، عمداً آدمم با شما سؤال و جواب کنم تا از شما این جمله را



استاد شهید مرتضی مطهری  
 کتاب نظام حقوق زن در اسلام  
 صص ۷۴-۷۳

## صیغه محرمیت و چند و چون آن

هنگامی که دو نفر قصد دارند، به واسطه عقد نکاح دائم یا موقت، با یکدیگر ازدواج کنند، لازم است این امر را پس از به دست آوردن شناخت کامل از یکدیگر و انجام تمامی تحقیقات لازم صورت دهند تا با اختلاف و طلاق و جدایی، مواجه نشوند و بتوانند کانون گرم خانواده را حفظ کنند. اصطلاح صیغه محرمیت موقت، یکی از اصطلاحات رایجی است که در اغلب مواقع، قبل از ازدواج دختر و پسر جوان، توسط اطرافیان و خانواده‌های آنها، مطرح می‌شود و به این ترتیب، با استفاده از آن سعی دارند زمینه را برای شناخت بیشتر طرفین از یکدیگر فراهم آورند. با توجه به اینکه صیغه محرمیت موقت، شرایط، آثار و تبعات حقوقی بسیاری دارد و تصور اغلب افراد جامعه در خصوص آن اشتباه می‌باشد، ضروری است با قواعد آن آشنا شد.  
 اغلب افراد تصورشان از صیغه محرمیت موقت این است که این موضوع، امری سنوای عقد موقت بوده و آثار و قواعد متفاوتی دارد، حال آنکه باید گفت، صیغه محرمیت موقت، همان خطبه و آیه‌ای بوده که برای ایجاد رابطه زوجیت، میان طرفین خوانده می‌شود و پس از خواندن آن، طرفین به زوجیت یکدیگر درآمده و آثار و قواعد نکاح موقت بر ازدواج آنان بار می‌شود و در واقع، تفاوتی میان آنچه در عرف، صیغه یا متمعه می‌گویند، با محرمیت موقت، نیست.  
 قانون مدنی در ماده ۱۰۷۵ خود، در خصوص صیغه موقت مقرر می‌دارد: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی، واقع شده باشد.» بر اساس

## بررسی جایگاه دختران در اسلام و جامعه اسلامی در گفت‌وگو با کارشناس قرآن، حدیث و مدرس دانشگاه

# دختر جامعه‌ساز است



مهر پیمان ابریا

**این ویژگی‌های زنان باید چه باشد؟**  
 به عنوان مثال، لطافت‌های زنانه و طنازی‌های زنانه است. رسانه‌های ما به سمتی می‌روند که جاهل‌بازی به بچه‌ها یاد می‌دهند. رفتارهای مردانه در صحبت کردن و تکه انداختن باعث شده است دختر ما از لطافت و زنانگی خودش به شدت فاصله بگیرد و به شدت متقل‌گرا باشد. خودش کار می‌کند و به هیچ تکیه‌گاهی اعتقاد ندارد و تکیه‌گاهی نمی‌خواهد. دختر باید بفهمد فرقی با جنس مخالف چیست. دوم که از زن بودن خودش بدش نیاید. برخی دچار این بحران شده‌اند که چرا من باید دختر باشم! چرا باید این همه محدود باشم. باید دختران ما به این برسند که از دختر بودن خودشان بدشان نیاید و بدانند باید چه رفتارهایی را انجام دهند، اما متأسفانه آموزش و پرورش و رسانه‌های ما در این زمینه خوب و درست عمل نمی‌کنند.  
**این سه ضلع تربیتی رسانه، آموزش و پرورش و خانواده باید در این زمینه چگونه عمل کنند؟**  
 شما فیلم «برادران لیلیا» را ببینید، چقدر جایگاه پدر را تخریب و بعد چقدر روحیه مردانگی را در زنان تقویت و نسبت به آنها سیاه‌نمایی می‌کند. از سوی دیگر خود خانواده هم باید محبت‌های ویژه‌ای به دختر داشته باشد. دختر وقتی به سن بلوغ می‌رسد باید محبتین پدر در رفتارشان نسبت به دخترش بیشتر شود، چرا وقتی محبت را ندیده است، جذب دیگران می‌شود، اینجا نکته‌هایی که باید در تربیت دختران مان حواس مان به آنها باشد.

**آقای دوستی شاید یکی از دلایلی که دختران ما نسبت به دختر بودن خودشان حس خوبی ندارند، این است که ما برای آنان جایگاه‌شان را تبیین نکرده‌ایم و اگر این جایگاه برای‌شان تبیین شود، نه فقط نسبت به جنسیت خودشان موضع‌گیری نخواهند داشت که دختر بودن برای‌شان افتخار هم است و در همین مسیر ویژگی‌های زنان و دخترانه خودشان را هم پرورش می‌دهند. شما اینطور فکر نمی‌کنید؟**

بله، باید توجه داشت برخی مسائل دختران ما را به تنگ آورده است. مثلاً یکسری عادت‌های غلط. مقام معظم رهبری تأکید دارند که زن باید در جامعه حضور فعال داشته باشد، اما محدودیت‌های بیش از حد مخرب است. سختگیری‌های بیش از حد در خانواده می‌تواند بچه‌ها را دچار چالش کند. تعادل رفتاری خیلی مهم است. نقش پدر و مادر در تعامل با دختران بسیار مهم است. سختگیری بیجا اشتباه است. در جامعه ما جایگاه سالمی که دختران می‌توانند در آنجا تفریح بکنند، وجود ندارد. اینها کمبودهای ما در عرصه‌های مختلف است که نتوانسته‌ایم جایگاه مناسبی برای دختران مان فراهم کنیم.

**چرا این همه در موضوعات سیاسی سراغ دختران می‌روند و راهسکار مواجبه با آن چیست؟**

یکی از دلایلی که دشمن دختران را برای هجمه‌های خودش انتخاب می‌کند، حساسیت این قشر است. بر این اساس دشمن با ادعای خیرخواهی آزادی و رشد زنان و دختران، به میدان می‌آید تا اهداف خودش را پیش ببرد دختران از احساسات برخوردارند و بی‌حرمتی می‌باشند و به این قشر خشم برانگیز و حساسیت‌زاست. ما باید آگاهی‌بخشی داشته باشیم. حضرت امام(ره) فرمودند: رسانه باید مردم را هشیار و آگاه سازد. ما آگاهی خوبی به بچه‌هایمان نداده‌ایم که از آزادی، رشد و تعالی‌تسو چگونه محقق می‌شود و کسانی که خواهان رشد و صلاح تو هستند، باید چگونه باشند، پس اول اینکه باید به آنها آگاهی بدیم و دوم اینکه دشمن‌شناسی را به آنها یاد بدیم. این دشمن‌شناسی امر بسیار مهمی است که باید درباره آن کار کنیم و از سوی دیگر باید به فرزندان مان خودمراقبتی را هم آموزش دهیم.

رسیده است که به او الهام می‌شود. این مادر می‌تواند فرزندی همچون موسی(ع) را تربیت کند و همچنین نقش خواهر موسی(ع) را در این داستان شاهد هستیم. اصلاً خود کلمه دختر را در نظر بگیرید، هر حرفش پیامی گسترده دارد.  
**کلمه «دختر» چطور؟**  
 اگر بخواهیم بگوییم که چقدر آروی دختر انقدر تأکید شده است، اگر پیام هر حرف همین کلمه دختر را در کت کنیم، می‌توانیم به جایگاه دختر برسیم. دال دختر حس دلسوزی است. پیامبر(ص) فرمودند: «دختر فرزند خوبی است که هم بر محبت است هم خیر خواه،



## دلیل اهمیتی که اسلام به دختران داده و جایگاهی که برای‌شان منصور شده است، چیست؟

این اهمیت دادن به چند دلیل است، نکته اول، به خاطر جایگاهی است که دخترها در جامعه آن روز از دست داده بودند. نکته دوم، به خاطر شرایط حساس دختران است، دختری می‌تواند نقش‌های مختلفی تجربه کند، خواهر، مادر و همسر باشد. از همه مهم‌تر اینکه دختر جامعه‌ساز است. در داستان حضرت موسی(ع) می‌بینیم که هیچ‌گاه حرفی از پدر موسی(ع) به میان نیامده است بلکه تمام تأکید روی مادر ایشان است. اگر ما نیاز به یک فرد انقلابی و مبارز داشته باشیم، باید مادر تربیت شود. مادر حضرت موسی(ع) به مقامی

دختر پروری در جامعه اسلامی است. همچنان که روایت داریم پیامبر(ص) می‌فرمودند: «فداها ابوها» که با ایشان خداحافظی می‌کرد و هنگام بازگشت از سفر اولین کسی بود که به استقبالش می‌رفت. گاهی وقت‌ها پیامبر(ص) بیسان می‌کرد که من بوی بهشت را از دخترم فاطمه استشمام می‌کنم. این رفتار پیامبر(ص) چند پیام دارد: اول اینکه می‌خواهد جایگاه حضرت زهر(اس) را به مردم بشناساند. نکته دوم اینکه می‌خواهد ثابت کند دین الهی از کرامت دخترها حمایت می‌کند و برای آنها جایگاه والاّی متصور می‌شود. بر این اساس هم الی‌ماشاءالله در این زمینه روایت داریم: «بهترین شما کسانی هستند که با دختران‌شان بهتر باشند»، «دختر که در خانه باشد ۱۲ برکت از آسمان بر آن خانه نازل می‌شود و رفت‌وآمد مالکانه از خانه قطع نمی‌شود»، حتی در سوغاتی دادن باید عدالت برقرار شود و برای همه چیزی مناسب گرفته شود اما دختران را باید مقدم بدانند. اینها همه به خاطر روحیاتی است که یک دختر دارد. خداوند در سوره شوره آیه ۴۱ می‌گوید: «خدا به هر کس که دلش بخواهد پسر عطا می‌کند»، اما در روایات داریم کسانی که دختر ندارند، این دعا را بخوانند تا خدا با آنها دختر بدهد. این جایگاهی است که اسلام برای این نقش منصور شده است. دقیقاً همین‌نگاهی که پیامبر اسلام(ص) به دخترشان داشتند باید در خانواده‌ها هم جاری باشد.

**دلیل اهمیتی که اسلام به دختران داده و جایگاهی که برای‌شان منصور شده است، چیست؟**

این اهمیت دادن به چند دلیل است، نکته اول، به خاطر جایگاهی است که دخترها در جامعه آن روز از دست داده بودند. نکته دوم، به خاطر شرایط حساس دختران است، دختری می‌تواند نقش‌های مختلفی تجربه کند، خواهر، مادر و همسر باشد. از همه مهم‌تر اینکه دختر جامعه‌ساز است. در داستان حضرت موسی(ع) می‌بینیم که هیچ‌گاه حرفی از پدر موسی(ع) به میان نیامده است بلکه تمام تأکید روی مادر ایشان است. اگر ما نیاز به یک فرد انقلابی و مبارز داشته باشیم، باید مادر تربیت شود. مادر حضرت موسی(ع) به مقامی

دختر است دیگر؛ در بایبی از لطافت و احساس و مهر بانی. انگار خدا در خلقتش همه عواطف عالم را یک جا جمع کرده و از شبنم صیغگاهی، لطافت گلبرگ غنچه تازه باز شده و تلالؤ آفتاب بعد از یک شب بارانی، دختر را آفریده است. این همه احساس و لطافت اما دختر را گاهی شکننده کرده و در معرض خطر قرار می‌دهد، به همین خاطر است که وقتی می‌خواهند تفکر و سبک زندگی جامعه‌ای را تغییر دهند، سراغ دختران‌شان می‌روند و روی تغییر افکار و روحیات آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند. در کشور ما هم کم‌برای دختران‌مان برنامه و نقشه نداشته‌اند؛ فتنه‌هایی که با تمرکز بر لطافت روح و شخصیت دختران برنامه‌ریزی شد اما آگاهی نسل جوان و حضور در صحنه آنان این فتنه‌ها را خنثی کرد و حالا به مناسبت میلاد یا پرکت بانوی کرامت حضرت معصومه(س) و روز دختر و دهه کرامت در گفت‌وگو با هیأت الاسلام روح‌الله دوستی، کارشناس علوم قرآنی و حدیث و مدرس دانشگاه به جایگاه دختران در اسلام و جامعه اسلامی پرداختیم و اینکه باید چه کنیم دختران‌مان در برابر هجمه‌ها و آسیب‌ها ایمن باشند.

**آقای دوستی، همانطور که می‌دانید پیامبر اسلام(ص) در جامعه‌ای مبعوث شدند که دختران در آن جایگاهی نداشتند و حتی وقتی خدا به کسی فرزند دختر عطا می‌کرد آن‌را ماه ننگ می‌دانستند تا جایی که برخی از آنان دختران‌شان را زنده به گور می‌کردند. در چنین شرایطی بود که رسول خدا(ص) دختران را اکرام کردند و دست دخترشان حضرت زهر(اس) را می‌بوسیدند و پیش پای او جا بلند می‌شدند. بر این اساس جایگاه دختران در اسلام چگونه است؟**

اجازه دهید یک نکته را مشخص کنیم که ملاک برتری پسر و دختر بودن نیست بلکه ملاک برتری تقواست. اما ما روایت‌هایی درباره دختران داریم که به خاطر تکریم شخصیت دختر است، آن هم در زمانی که همان طور که اشاره داشتید، هیچ بهایی به دختر داده نمی‌شد. روایت‌های مختلفی درباره جایگاه دختران داریم. حضرت زهر(اس) مصداقی

ویترین



## روانشناسی زن و خانواده

از زمانی که علم روان‌شناسی پدیدار شد، یکی از مباحثی که همیشه درباره آن بحث و چالش وجود دارد، مطالعات جنسیتی است که نقاط مهم آن همچنان نیز باقی‌ماند.

پیشرفت‌های علم در دهه اخیر، روان‌شناسی و شاخه‌های مربوط به آن را نیز متحول کرده است. روان‌شناسی زنان نیز یکی از همین حوزه‌هاست که سابقه چندان طولانی ندارد و به سبب ضرورت اجتماعی و فردی از روان‌شناسی شاخه گرفته است.

در پیدایش این جنبه از روان‌شناسی، «مردگرایی» از عواملی به شمار می‌آید که بیش از هر چیز دیگری تأثیرگذار بوده است. جنبش آزادی‌خواهی زنان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و روان‌شناسان و آزادی‌خواهان فمینیست نیز از جمله عوامل مؤثر در پیدایش این علم بوده‌اند.

روان‌شناسی زن قدمت چندانی ندارد و به نظر می‌آید همچنان به تحقیقات طولانی و گسترده نیاز دارد. این شاخه از روان‌شناسی مطالب و موضوعات متنوعی را در برمی‌گیرد و می‌تواند به عنوان موضوعی منحصر به فرد مورد بحث قرار گیرد.

موضوع سلامت روان و شیوه‌های حفظ و مراقبت از آن از دغدغه‌های اصلی انسان و مسورد توجه پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علوم به خصوص روان‌شناسی بوده است. در این کتاب در گام نخست به بررسی مسئله سلامت پرداخته می‌شود.

با توجه به نقش پررنگ زنان در جامعه، برخورداری از رفاه کامل جسمی و جنسی محبت بعدی کتاب روان‌شناسی زن و خانواده است. خانواده‌واپسین موضوع این کتاب است که به شکلی دقیق و کامل نقش زنان را به عنوان محور خانواده بررسی می‌کند. سلامت جامعه سالم وابسته به خانواده سالم است و خانواده سالم وابسته به زنانی است که در مسیر صحیح اخلاقی و سعادت جامعه گام بردارند.

کتاب روان‌شناسی زن و خانواده نوشته مهر انگیز شعاع کاظمی، معصومه فتحعلی‌زاده و زهرا شهبانی‌نژاد، ابعاد زندگی زنان را از جنبه‌های جسمی، روانی و اجتماعی بررسی کرده و با نگاهی دقیق و علمی آنها را واکاوی می‌کند.

علاقه‌مندان به مباحث روان‌شناسی زنان از خواندن این اثر لذت خواهند برد. همچنین این کتاب در زمینه‌های مشاوره خانواده، تعلیم و تربیت و همینطور رشته مطالعات زنان در همه مقاطع آکادمیک کاربرد دارد.

در بخشی از کتاب روان‌شناسی زن و خانواده می‌خوانیم:  
 زنان وقتی احساس امنیت نکنند، تلاش می‌کنند به نوعی خود را به همسرشان نزدیک و با آنان از تباط برقرار کنند. احساس عدم‌اتصال در رابطه متقابل، بریدن از مردی است که دوستش داریم، یعنی شکستن پل ارتباطی بین زن و مرد.  
 باید به یاد داشته باشیم که به دلیل اینکه مهر و محبت از طرف زنان در مرحله اول قرار دارد، به عبارتی زنان خود را حافظ ارتباط‌شان می‌دانند و برای ارتباط معنوی و روحی احساس مسئولیت می‌کنند، پس اتصال زنان با مردان (جنس مخالف) نمایانگر تعهد و زنده نگه داشتن عشق است.

از تباط واقعی تنها به معنای باهم بودن یا دوست بودن نیست، بلکه چیزی بیش از آن می‌باشد که مستلزم داشتن صمیمیت و محبت است. صمیمیت یعنی به همسرتان اجازه ورود به دنیای احساسی آنان را داشته باشیم.  
 به همین خاطر فقط باهم بودن مطرح نیست بلکه در میان گذاشتن افکار و احساس‌های درونی افراد با یکدیگر است که اهمیت دارد. صمیمیت یکی از مهم‌ترین اجزای ارتباط موفقیت‌آمیز است.  
 در کل وقتی زنی به دنیای درونی مردی راه پیدا می‌کند و اطمینان قلبی او درباره رابطه خودافزایش می‌یابد، نه تنها احساس امنیت می‌کند، بلکه از نظر روحی نیز احساس ارتباط نزدیکی می‌کند. در حقیقت می‌فهمد که برای او ارزش گذاشته شده، یعنی سومین نیاز اساسی یک زن تأمین شده است.  
 وقتی مردی سعی در برآوردن یکی از نیازهای زنان می‌کند سه نتیجه را هم‌زمان می‌گیرد: «ارزش و احترام، محبت و صمیمیت و امنیت».